هفته نامهٔ
مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

وآنان که در راه ما با جان و مال جهادکردند محققاً آنان را به راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

دور ششم - سال نهم - شمارهٔ چهل و دوم ۲٦ جدی- ۱۳۸۸ - ۳۰ محرم الحرام ۱٤۳۱ 16- January 2010

سرمقاله

جمعیت در وزرای پیشنهادی و یا کابینهٔ کنونی عضویت ندارد

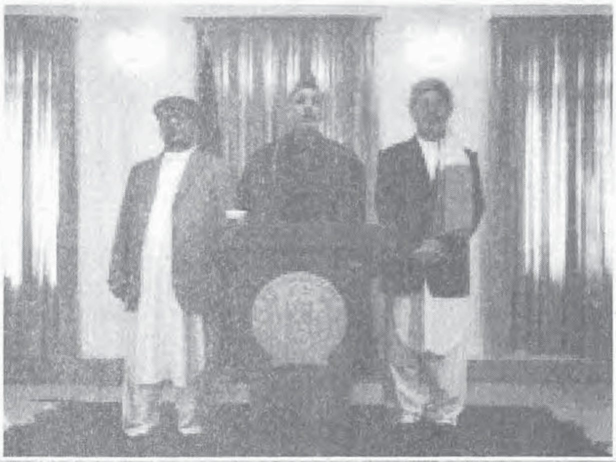
ص۲

به مناسبت هشت و صد یکمین سالروز تولد مولانا جلال الدین محمد بلخی

نامت بماند تا ابد

ص۵

ائتلاف آقای کرزی در حال از هم پاشیدن است



همزمان با آغاز مبارزات انتخاباتی ریاست جمهوری در ۲۹ امسال، آقای کرزی درک کرده بود به علت نارضایتی های گسترده در میان مردم و نا کامی های فراوان حکومتش شانسی برای رأی آوردن ندارد، آقای کرزی برای پیروزی در انتخابات سیاست یارگیری و جلب مؤتلفین را در پیش گرفت، این سیاست در آغاز تا اندازهٔ زیادی با موفقیت همراه بود و گروه ها و شخصیت های فراوانی به ائتلاف کرزی پیوستند.

موضوع اصلی در ائتلاف شکل یافته به محور آقای کرزی، توزیع قدرت بود و برخلاف ائتلاف های معمول در دموکراسی های دنیا، برنامه و هدف در تشکیل این ائتلاف نقش چندانی نداشت. **ادامه درص ۳**

اعلامیهٔ جمعیت اسلامی افغانستان
در پیوند با معرفی وزیران پیشنهادی

موقف و موضع جمعیت اسلامی افغانستان در مورد ضرورت تشکیل حکومت مشارکت ملی، طی سخنرانی ها و مصاحبه های مقام رهبری و همچنین مقاله ها و سرمقاله های هفته نامهٔ مجاهد بازتاب یافته است. این ضرورت را نتایج انتخابات ریاست جمهوری، بیشتر از پیش برجسته ساخت.

هیچ یک از نامزدان نتوانستند آرای لازم را در انتخابات ریاست جمهوری به دست آورند و نظر و فیصلهٔ کمیسیون به اصطلاح مستقل انتخابات، در پی تقلب کاری ها و تخلف های گسترده و سازمان یافته، نمی تواند مبنای حقوقی و قانونی داشته باشد و اساساً صلاحیت تعیین رئیس جمهور را ندارد.

حکومت مشارکت ملی براساس و مبنای نیاز و ضرورت یادشده در صورتی تحقق می یافت که رضایت و قناعت رقیب عمده و جدی در انتخابات ریاست جمهوری و حامیان او (جمعیت اسلامی و متحدان سیاسی آن) فراهم می گردید و تعدادی از شخصیت های متخصص و کاردان از این جمع، در پی تفاهم و توافق به حیث نامزد وزیران به ولسی جرگه پیشنهاد می گردیدند که چنین چیزی صورت نگرفت!

بر این مبناست که معرفی افرادی به حیث نامزد وزیر، که در گذشته یا حال به جمعیت اسلامی افغانستان نسبت داشته و یا دارند، تصمیم و معاملهٔ شخصی معرفی کننده و معرفی شونده است و جمعیت اسلامی افغانستان را نباید یک طرف در این معامله دانست.

دارالإنشای جمعیت اسلامی افغانستان
۲۱ جدی ۱۳۸۸ - کابل

د ولایتي شوراگانو د پایلو جنجال

شفیق

پداسې حال کې چې نږدې پنځه میاشتې پوره کیږي خو لاتراوسه د زمري د میاشتې په نهه ویشتمه نیټه د ولسمشرۍ د ټاکنو سره یوځاې د ترسره شوو ولایتي ټاکنو پایلې نه دي بشپړې شوي. د مرغومي د میاشتې په شلمه او ویشتمه نیټه د کابل په شمول په ډیرو ولایتونو کې د ځانگړو مراسمو په لړکې بریالي اعلان شوي استازي خلکوته ور وپیژندل شو خو په اکثرو ولایتونو کې په پایلوکې په شوو درغلیو باندې د پاتې اعلان شوو کاندیدانو نانندرۍ لاپاې ته نه دي رسیدلي او هغوې ادعاء لري چې د ټولټاکنو د کمیسیون مسوولینو په ولایتونو کې د بډو په اخستلو سره پراخې درغلۍ کړیدی چې لامله یې دوې ته د کمیسیون لخوا اعلان شوې پایلې د منلو وړ ندي.

د پاتې اعلان شوو نوماندانو ادعاء گانې پیاوړې هم ښکاري، ځکه دوې وایې چې وروسته اعلان شوي پایلې د هغو پانو له پایلو سره بشپړ توپیر لري چې د رایو په مرکزونو کې د لومړنۍ شمیرنې پر مهال د دوې استازو ته ورکړل شوې وې او لدې امله په مختلفو وختونوکې اعلانیدونکو پایلو کله یوشمیر خلک بریالي گڼلي او کله بل شمیر، چې په نتیجه کې یې کور په کور او کلي په کلي په ولسونو کې دښمنۍ جوړې کړیدي. **پاتې پر۷مخ**



آیا زندان بگرام تحت ادارهٔ افغانستان در خواهد آمد؟

ص۲

امریکایی ها بار دیگر به هلمند آمدند

جنرال مک کریستال که سخت امیدوار به نظر می رسد به مردم امریکا اطمینان داده است که زمان تغییر وضع به نفع نیروهای ائتلاف در افغانستان نزدیک است اما همه فرماندهان نظامی به اندازهء او خوشبین به نظر نمی رسند.

ص۷

چالش های تفتیش و بررسی درافغانستان

ص۶

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس: کابل، عقب سینما بهارستان، کوچهٔ قصابی، دست چپ، کوچهٔ چهارم
شمارهٔ تلفن: ۰۷۰۲۸۵۱۳۹ و ۰۷۰۸۸۲۷۸۹۰
Website: www.mujahedweekly.com
E-mail: Mujahid1357@Yahoo. com

سرمقاله

جمعیت در وزرای پیشنهادی و یا کابینهٔ کنونی عضویت ندارد

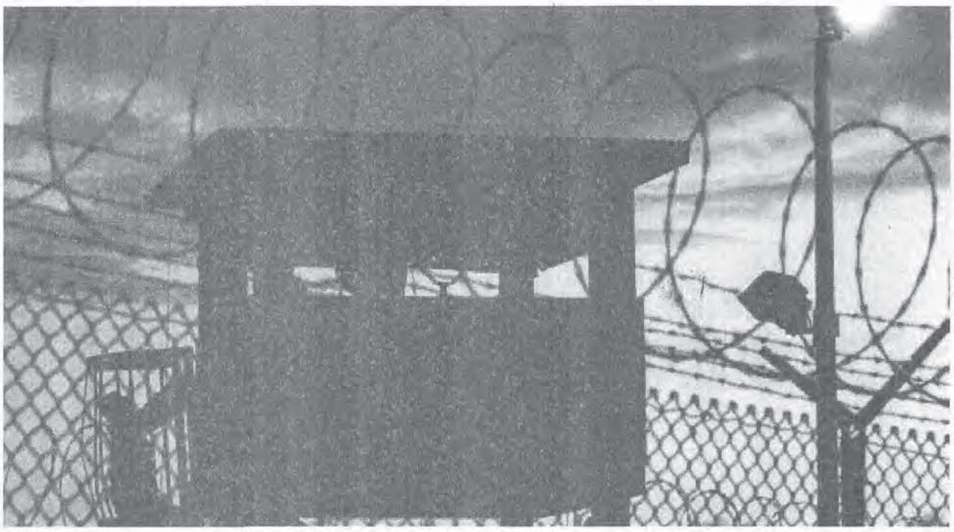
انتخابات ریاست جمهوری ۲۹ اسد امسال که با موارد فراوان نقض قانون اساسی و تقلب گسترده برگزار شد، در پایان، بدون هیچ دستاویز قانونی آقای کرزی برنده اعلان گردید. این انتخابات بجای آن که بتواند به تقویت نهاد های دولت و فرایند قانون گرایی بینجامد، براعتبار و جایگاه دولت افغانستان در سطح ملی و بین المللی ضربهٔ شدیدی وارد کرد و اعتماد مردم و گروه های سیاسی را متضرر نمود.

جمعیت اسلامی افغانستان که به منظور ایجاد تغییرات و اصلاحات اساسی در کشور، با شرکت فعال و گسترده در انتخابات از داکتر عبدالله حمایت نمود، پس از شکست انتخابات و پی آمدهای منفی آن، جهت ایجاد نوعی مشروعیت برای دولت افغانستان و حفظ ثبات نیم بند کشور، برنامه های اصلاحی خویش را با دولت مطرح نمود و برای تطبیق این برنامه ها "حکومت مشارکت ملی" را پیشنهاد کرد.

این طرح در نتیجهٔ اشتباهات دولت که نتوانست خود را از تنگنای راهکارهای ناکام انحصار گرایی و گروه مداری رهایی بخشد و به سیاست های ملی تن در دهد و همچنان، در نتیجهٔ مداخلات خارجیان با شکست روبرو شد.

با شکست این طرح، دیگر برای جمعیت اسلامی افغانستان عضویت در کابینه و به دست آوردن چند پست وزارت جذابیتی نداشت؛ چون بدون تغییر در برنامه ها و راهکارها و ایجاد اصلاحات، به دست آوردن چند پست وزارت آن هم در بخش های حاشیه ای و بی اهمیت حکومت، نمی تواند تأثیر مثبتی را در وضعیت کشور و مردم به میان بیاورد.

در این روزها در رسانه ها شایعاتی مبنی بر عضویت جمعیت در کابینه پخش می شود که مقامات جمعیت این شایعه را با شدت رد کرده اند. آن جنانکه در اعلامیهٔ جمعیت اسلامی افغانستان و اظهارات آقای واقف حکیمی سخنگوی جمعیت تصریح گردیده است هرچند که نام شماری از اعضا و هواداران جمعیت در کابینهٔ پیشنهادی اول و دوم آقای کرزی دیده می شود، اما این شخصیت ها با تصمیم خودشان با این لیست پیوسته اند و در این شرایط جمعیت با پیوستن آنان به کابینه موافقت ندارد. با آن که برخی آن ها دارای تجربه و شایستگی هستند، اما تلاشهای آن ها هیچ تغییر مثبتی را به دنبال نخواهد داشت، بنابر این جمعیت از این تصمیم آن ها حمایت نمی کند و عضویت آن ها در پست های پیشنهادی و یا کابینه، به مفهوم عضویت جمعیت در این کابینه نیست.



آیا زندان بگرام تحت ادارهٔ افغانستان در خواهد آمد؟

وحید مژده

خبر هائی به نشر رسیده که نیروهای امریکائی حاضر شده اند تا ادارهء زندان بگرام را به نیروهای افغان بسپارند. سخنگوی وزارت دفاع کشور ضمن تائید این خبر گفت که در آیندهء نزدیک کنترول و ادارهء زندان بگرام به وزارت دفاع افغانستان سپرده می شود و کسانی که بدون گناه در این زندان بسر می برند، پس از بررسی های لازم آزاد خواهند گردید. پس از این زندان توسط زندانبانان افغان اداره خواهد شد.

در سال ۲۰۰۱ زمانیکه نیروهای امریکائی کنترول میدان هوائی بگرام را بدست گرفتند، تعداد زیادی از افراد مشکوک را دستگیر و در آنجا زندانی کردند. این زندان در ابتدا در اطاقهای مخروبهء بدون در وپنجره قرار داشت که زندانیان دست و پا بسته در آنها افگنده می شدند. با ازدیاد تعداد زندانیان، خیمه هائی برای این کار تدارک گردید. سپس بخش بزرگی از زندان به یک ورکشاپ ترمیم طیاره که سالها قبل توسط روسها در زیر زمین ساخته شده بود منتقل شد.

سال گذشته امریکائی ها خبر دادند که با هزینهء پنجاه میلیون دالر یک زندان جدید در بگرام خواهند ساخت تا برای تعداد روبه رشد زندانیان مکانی مناسب در اختیار باشد.

موضوع وجود زندان در پایگاه نظامی امریکا مورد انتقاد های زیاد نهاد های حقوق بشر در جهان قرار گرفت که این کار را زیرپا نمودن مفاد اعلامیهء جهانی حقوق بشر می شمارند. در داخل افغانستان هم بار ها این مسئله مطرح شد که وجود زندانهای خارجیان در افغانستان نقض صریح قانون اساسی کشور است. قانون اساسی افغانستان تصریح دارد که هیچکس را نمی توان بدون حکم محکمه زندانی کرد اما در زندانهای خارجی ها در افغانستان افراد بیگناه مدتهای طولانی در بند می مانند بدون اینکه اتهامی بر آنها وارد شده باشد و بعد از ماهها وحتی سالها از زندان آزاد می شوند. این کار بصورت واضح نقض حاکمیت ملی افغانستان است اما خارجی ها به این مسئله توجهی ندارند.

درمورد زندان بگرام و شنگجه های هولناک آن زیاد گفته و نوشته شده است. شبکهء تلویزیونی الجزیره در یک گزارش با کسانی که در بگرام زندانی بوده اند گفتگو انجام داد و آنان شرایط زندان بگرام را بدتر از زندان گوانتانامو توصیف کردند. ملا عبدالسلام ضعیف سفیر سابق طالبان در اسلام آباد که مدتی را در بگرام در بند بود نیز از شکنجه های آن زندان در کتاب خویش (تصویری از گوانتانامو) مطالبی نقل کرده است.

موضوع وجود زندان در پایگاه نظامی امریکا مورد انتقاد های زیاد نهاد های حقوق بشر در جهان قرار گرفت که این کار را زیرپا نمودن مفاد اعلامیهء جهانی حقوق بشر می شمارند. در داخل افغانستان هم بار ها این مسئله مطرح شد که وجود زندانهای خارجیان در افغانستان نقض صریح قانون اساسی کشور است

زندانیان آزاد شده از این زندان از وضعیت بد زندان شکایت داشته اند. زندانیان از خانوادهء خود بی اطلاع نگهداشته می شوند و دسترسی به داکتر در صورت مریض شدن به سختنی ممکن است، کسی حق ندارد از اتهام وارده بر خود که موجب دستگیری اش شده اطلاع حاصل نماید و دسترسی به وکیل برای دفاع از خویش اصلا متصور نیست.

در این زندان حدود ششصد تا هفتصد زندانی بدون محاکمه و اعلام جرم علیه شان بسر می برند. بدنبال انتقاد های فراوان از شیوهء رهبری این زندان، سرانجام امریکائی ها ناچار به قبول سپردن آن به افغانها شدند.

در موارد، زندانیان از کشور های دیگر نیز به زندان بگرام آورده شده و بعد از اینجا به گوانتانامو منتقل می شدند. تعدادی از اعضای القاعده نیز در زندان بگرام زندانی اند و چند سال قبل چهار تن از آنان ظاهرا از زندان قادر به فرار شدند. اینکه در فرار آنان چه رازی نهفته بود تا کنون برملا نشده است.

در شمار وعده های باراک اوباما به مردم جهان وکشورش قبل از رسیدن به ریاست جمهوری، بستن زندان گوانتانامو هم شامل بود اما وی به این وعدهء خود مانند وعده های دیگرش وفا نکرد و گوانتانامو همچنان بعنوان یک لکهء ننگ بر دامان ادعاهای حقوق بشر امریکا باقیست. زندان بگرام هم چنین بود که اکنون سعی دارند مسئولیت آنرا بدوش افغانها بسپارند.

اما در افغانستان تنها زندان بگرام نیست که در آن امریکا به نقض گستردهء حقوق بشر می پردازد. زندان امریکا در پایگاه هوائی قندهار از زندانهائی است که تاکنون در مورد آن اطلاعات زیادی در دسترس نیست. اما زندانیانی که از این زندان آزاد شده اند از شرایط بد زندگی در آن شکایت داشته اند.

گفته می شود که بعد از سپردن ادارهء زندان بگرام به مقامات افغانی، تعدادی از زندانیان زندان گوانتانامو نیز به این زندان منتقل می شوند. احتمال دارد که در آینده با بسته شدن زندان گوانتانامو، زندان بگرام جای آنرا بگیرد. اگر ادارهء این زندان بدست افغانها هم باشد این اداره ظاهری خواهد بود. زندان بگرام بخشی از پایگاه نظامی امریکا در بگرام است و امکان کنترول کامل آن توسط نیروهای افغان دشوار خواهد بود. بعبارهء دیگر نام از افغانها خواهد بود اما ادارهء اصلی را امریکائی ها بعهده خواهند داشت و به این ترتیب آنها خود را از اتهام نقض حقوق بشر مبرا جلوه خواهند داد.

پس لازم است تا این انتقال بصورت شفاف و واضح صورت گیرد و از همان ابتدا مشخص گردد که اداره باید بصورت کامل بدوش افغانها باشد نه اینکه کسانی را که امریکائی ها بیگناه دستگیر می کنند به افغانها بسپارند و از زندانبانان بخواهند تا مطابق به خواست آنان باید این افراد در زندان باقی بمانند.

یا اینکه پروسهء محاکمهء افراد آنقدر بطول بیانجامد که زندانیان گمان کنند همه کارها مانند سابق در جریان است و به این ترتیب اتهام نقض حقوق بشر بجای امریکا بر افغانستان وارد آید.

پس لازم است تا قضات ورزیده و پاک برای بررسی دوسیه های زندانیان انتخاب گردیده و بسرعت به دوسیه ها رسیدگی نمایند. زیرا تعداد کثیری از زندانیان این زندان مخوف فقط بر اساس شک و گمان دستگیر گردیده و مدتهای مدیدی را در این زندان سپری کرده اند.

ائتلاف آقای کرزی در حال از هم پاشیدن است

* احمد مهدی



با توجه به چالش ها و دشواری های فراوانی که وجود دارد، فکر نمی شود ائتلافی که برمحور پیروزی آقای کرزی در انتخابات و تقسیم پست های حکومت شکل یافت، بتواند دوام بیاورد و احتمالاً به زودی فرو خواهد پاشید

ادامه از صفحهٔ اول

آن چنان که برخی از این موتلفین در گذشته اعلان نموده اند، فیصدی سهم در حکومت و شمارکرسی های وزارت و ولایات و سفارت ها در میان موتلفین مشخص گردیده بود. چنانچه حاجی محمد محقق در یکی از سخنرانی های خویش هنگام مبارزات انتخاباتی گفت که، به آن ها یک پست معاونیت ریاست جمهوری و پنج کرسی وزارت سهم رسیده است.

آقای کرزی به منظور جلب هرچه بیشتر حامی و موتلف و تقویت شانس پیروزی ناگزیر شد حدود ۶۰، ۷۰ چوکی وزارت را به گروه های موتلف و حامیان خویش وعده نماید.

آقای کرزی که به عنوان یک سیاستمدار پراگماتیک شهرت یافته است، نمی توانست پیروزی خویش را بر اثر ائتلاف نسبتاً گسترده یی که ایجاد نموده بود، تضمین شده گمان کند و نگرانی نداشته باشد.

نگرانی در مورد پیروزی در انتخابات، آقای کرزی را واداشت تا یک برنامهٔ بزرگ تقلب کاری را نیز تدارک ببیند و افرادی را برای عملی شدن این برنامه بگمارد.

این حدس و گمان آقای کرزی حقیقت داشت و سر انجام با وجود تقلب کاری های گسترده، وی نتوانست رأی کافی برای برنده شدن به دست بیاورد و شمار آرایش کمتر از ۵۰ در صد برآورد گردید.

آقای کرزی آن قدر سیاستمدار ساده یی نبود که تنها برتشکیل ائتلاف و تقلب کاری بسنده کند، بلکه او کمیسیون انتخابات را برای چنین روز مبادایی در دست داشت و سر انجام این کمیسیون توانست به داد آقای کرزی برسد و با اعلان برنده شدن وی، ادامهٔ اقتدارش را تضمین کند.

اکنون که آقای کرزی به اصطلاح پیروز شده و کابینهٔ خویش را تعیین می کند، موضوع ادامهٔ ائتلاف مطرح گردیده است، موجودیت ائتلاف برای آقای کرزی اهمیت فراوان دارد، چون نتایج انتخابات نشان داد که اکثریت کامل آرای سفید آقای کرزی مربوط به گروه ها و شخصیت های موتلف وی می باشد و با نبود ائتلاف، آقای کرزی بصورت کامل فاقد پشتوانهٔ مردمی می گردد.

اکثر صاحب نظران اعتقاد دارند که ائتلاف آقای کرزی با چالش های جدی روبرو می باشد.

مهمترین چالش برای این ائتلاف توزیع چوکی های وزارت میان موتلفین می باشد، آنگونه که به نظر می رسد آقای کرزی در این زمینه با دشواری های بزرگی روبرو شده است.

مهمترین مشکل در این زمینه کثرت و فزونی وعده های آقای کرزی و قلت و محدودیت چوکی های وزارت و سایر پست های عالی رتبهٔ دولتی می باشد. هر کرسی وزارت برای چندین نفر وعده شده است. شمار کرسی های وعده داده شده حدود ۶۰ یا ۷۰ کرسی تخمین شده، در حالی که حکومت افغانستان تنها دارای ۲۴ وزارت می باشد.

اکنون که زمان برآورده شدن وعده ها فرا رسیده است شمار زیاد گروه ها و اشخاص تقاضای کرسی وزارت دارند و آقای کرزی قادر نیست به وعده های خویش پاسخ مثبت بگوید و آن را برآورده سازد.

آقای کرزی برای حل این مشکل اقدام به ایجاد چند پست وزارت کرد اما مجلس نمایندگان با این اقدام مخالفت نمود.

مشکل دیگری که پیش روی اقای کرزی قرار گرفته است، مخالفت پارلمان با اکثر وزرای پیشنهادی می باشد. در دور نخست معرفی کابینه، ۱۷ وزیر از جملهٔ ۲۴ وزیر پیشنهادی از طرف مجلس نمایندگان رد شد.

اکثر رد شدگان البته سهم موتلفین مخصوصاً آقای دوستم و محقق و خلیلی بود. آن ها علت رد وزرای پیشنهادی خویش را عدم صداقت رئیس جمهور می دانند و فکر می کنند، نمایندگان طرفدار رئیس جمهور در مجلس نمایندگان که اکثریت را در دست دارند، از دادن رأی مثبت به وزرای پیشنهادی آن ها امتناع نموده اند.

آن ها این کار را یک خیانت می دانند که رئیس جمهور انجام داده است. در اظهاراتی که آقای دوستم و آقای خلیلی پس از رد بسته نخست کابینهٔ پیشنهادی آقای کرزی داشتند، نارضایتی خویش را منعکس نمودند.

قای اسماعیل خان که در هرات به نفع آقای کرزی مبارزهٔ انتخاباتی انجام داده بود، نتوانست رأی کافی برای برنده شدن در پست وزارت انرژی به دست آورد، او که دست آوردهای مهمی در این وزارت داشت و یکی از وزرای موفق حکومت گذشتهٔ آقای کرزی بود، انتظار داشت با حمایت از کرزی پست وزارت انرژی را برای ۵ سال دیگر برای خود تضمین کرده است، با بی مهری هواداران رئیس جمهور در مجلس نمایندگان روبرو شد و شانس نیاورد. آقای اسماعیل خان نتوانست امتیاز مطلوبی از حمایت خویش از رئیس جمهور به دست آورد و از این ناحیه احساس سرخوردگی شدید دارد.

آقای احدی رهبر افغان ملت که بنا بر تمایل اعضای حزب خویش به نفع آقای کرزی از نامزدی ریاست جمهوری کنار رفت و وعدهٔ چندین پست وزارت از جمله وزارت اقتصاد را به دست آورد، در جملهٔ ۱۷ وزیر رد شده می باشد. همچنان خسربرهٔ وی آقای گیلانی نیز، توسط پارلمان رد شد. آقای احدی و افغان ملت تحت رهبری وی نیز نتوانستند امتیاز مناسبی به دست آورند.

شماری فکر می کنند آقای کرزی به آقای احدی به عنوان یک رقیب نگاه می کند و از اقدام وی که خود را در انتخابات ۲۹اسد نامزد ریاست جمهوری اعلان نمود، ناخشنود است، به همین علت از نمایندگان هوادار خویش خواسته بود تا به آقای احدی رأی ندهند. در حقیقت آقای کرزی می خواست با چنین کاری احدی را تأیب کند. آقای احدی نیز از چنین برنامه آگاهی دارد و پس از رد شدن در مصاحبه ای نارضایتی خویش را آشکار ساخته است.

گروه ها و شخصیت های دیگر مانند آیت الله محسنی، محمد اکبری از رهبرای اهل تشیع و آقای نادری از رهبران فرقهٔ اسماعیلیه نیز که نتوانستند به امتیازهای وعده داده شده از طرف رئیس جمهور دست پیدا کنند، دیگر دلچسپی برای ادامهٔ وفاداری به ائتلاف نشان نمی دهند.

آقای مارشال فهیم معاون اول رئیس جمهور که چند نفر وزیر در بستهٔ نخست کابینهٔ پیشنهادی داشت، هیچ کدام آن ها قادر به اخذ رأی مثبت از پارلمان نشدند.

افراطیون قومی که در جملهٔ هواداران نزدیک رئیس جمهور قرار دارند و به شدت طرفدار تک قومی ساختن قدرت در افغانستان می باشند، نسبت به تصمیم رئیس جمهور که کسانی از اقوام غیرپشتون را در کابینه پیشنهاد نموده است، به شدت مخالف اند. آن ها برخلاف ناپسند بودن چنین تمایلاتی در جامعهٔ افغانستان، این مخالفت خویش را به صورت آشکاری بیان می کنند و از بودن آقای فهیم و آقای خلیلی در پست معاونیت ریاست جمهوری و همچنان موجودیت افرادی مانند آقای اسماعیل خان و عصمت اللهی در کابینه، با عنوان کردن برخی اتهامات مانند جنگ سالار و جاسوس مخالفت خویش را آشکار ساخته اند و از رئیس جمهور انتقاد می کنند. فکر می شود آن ها نیز از این کابینهٔ که خواسته های آن ها به پیمانهٔ زیادی تحقق یافته خوشنود نیستند.

با توجه به چالش ها و دشواری های فراوانی که وجود دارد، فکر نمی شود ائتلافی که برمحور پیروزی آقای کرزی در انتخابات و تقسیم پست های حکومت شکل یافت، بتواند دوام بیاورد و احتمالاً به زودی فرو خواهد پاشید.

اما برخی باور دارند شماری از موتلفین گرچه ادعاهای رهبری اقوام و گروه هایی را دارند، اما در این ادعاهای خویش پابندی زیادی احساس نمی کنند و می توانند به سهم های کوچکی که برای خودشان و افراد خانوادهٔ شان دست و پا کرده اند، قناعت نمایند و همچنان از آقای کرزی حمایت کنند.

برگی از آرشیف شعر جهادومقاومت

زآتش کین روی زمین درگرفت

عبدالقیوم

جمشید شعله یکی ازشعرای سرشناس کشوربود وازچهره های نامدار درفتوت ومردانگی .

شادروان شعله مزیدبردیوان بزرگی که درشعردارد، صاحب آثاری درنثر، بالخاصه درتاریخ نیزاست که ازآنجمله "تاریخ حوادث لقی"می باشد. اثری که به گفتهٔ اکادمیسن پروفیسردکتراحمد جاوید : " ...آنچه (وی) به قلم شیوای خود دربارهٔ وقایع روز، مخصوصاً جهاد ملت بخارا وحوادث لقی درشمال هندوکش نوشته ، چشمدید خود مولف است که مطابق به وقایع باکمال راستکاری،به برکت حافظهٔ قوی واطلاعات سرشارخود،به قید تحریردرآورده است ."

شعله گاهی گوشهٔ آنچه را که به نثر نگاشته ، به نظم نیزدرآورده، ولی ازآنجایی که موضوع بحث این قلم درباب تجاوزارتش سرخ درکشورما می باشد ، فلهذا به گزینش ابیاتی ازدیوان وی مبادرت می ورزیم که با جستارفوق الذکرهمخوانی دارد.

تهاجم قوای روسی درافغانستان درشعری تحت عنوان:" عریضهٔ منظوم به حضور پیشوای عموم (حضرت محمد مصطفی) "صلی الله علیه وسلم" بازتاب یافته ودرباب بیداد تجاوزگران اینگونه لب به شکوه کشوده است :

آه زبیداد جهان خراب
گشت زمین دوزخ رنج وعذاب
خشک لب وخون جگرودل کباب
کیست دهد عرضه به آن نورناب
" کای به سراپردهٔ یثرب به خواب
خیزکه شد مشرق ومغرب خراب "

متعاقب آن ازفراگیرشدن ظلم در"خطهٔ خاور" سخن می راند که نتیجهٔ آن گسترده شدن آتش کین درروی زمین می باشد :

ظلم فرا خطهٔ خاورگرفت
زآتش کین روی زمین درگرفت

قبل ازاینکه به ابیات مورد نظرشعله چاه آبی تماس بگیریم ، یک نکتهٔ دیگررا نیزقابل یاد آوری می دانیم که بسیاری ازشعرا، وقتی ملتی را گرفتارجنایات بیشمارآدمکشان گرگ کردار دیده اند، ناگزیرشده اند تا زبان به شکایت وفریاد به بارگاه خدای چاره ساز وپیغمبربزرگوارآن (صلی الله علیه وسلم) بکشایند . چنانچه استاد سخن شادروان خلیلی الله خلیلی دریکی ازمخمسات معروف خودازآنچه درکشورآغشته به خونش می گذشت،بث الشکوایی سرداده که ابیاتی ازآن نعتیه شریف را برسبیل تیمن اینجا نقل می کنیم:

ای نورخدا صبح کرم مطلع انوار!
درکشورما خیمه فرو هشته شب تار
یک روزن امید درآن نیست پدیدار
هم قافله گم گشته وهم قافله سالار
هم یار جدا مانده دراین شام هم اغیار

ودر بندی دیگرازتجاوز ارتش سرخ وحالت زار مردم نالیده که با نقل آن به اصل موضوع برمی گردیم:

هنگام مصاف است ولی هم نفسی نیست
فریاد که درمعرکه فریاد رسی نیست
دزد آمده درخانه وبیم عسسی نیست
جز برهنه پایان تو درجنگ کسی نیست
بس کشته به خون خفته وکس نیست مددگار

چنانچه می بینیم منظور از دزد درمصراع سوم ارتش متجاوزاست که مجاهدان برای طرد آنها وارد میدان جنگ شده اند .

شعله درچندبند شعرش خطاب به امام مجاهدان حضرت رسول اکرم "صلی الله علیه وسلم " به صورت واضح از تجاوزروسها وجنایات آنها نام برده است . چنانچه :

چشم کرم بازکن ای نورجان
حال بد کشورما بین عیان
غرقهٔ توفان حوادث چنان
تشنه لب وگرسنه ونیم جان
روسیه، این مأمن آزادگان
خواست که یک دم بکند غاروغاب
"ای به سرا پردهٔ یثرب به خواب
خیزکه شد مشرق ومغرب خراب"

شعله دربند دیگرشعرش ازتجاوز متعددی که روسها به افغانستان کردند، اشاره می کند. این نکته با پیچ وخم تاریخ کشورخود وتاریخ آسیای میانه نیز آشنا است :

نوبت پنج است که روس پلید
بلکه ششم بار به ما شد پدید

حملات پنجگانه ویا ششگانه کدام ها اند ؟ از زبان خودش می شنویم :

نوبت اول به هرا سرکشید
نوبت دو جانب درقد دوید
وحلهٔ سوم به سمنگان رسید
بعد سوی چهار دره واخزید...

حملهٔ پنجم- که حملهٔ عریان وبیشرمانهٔ آنها می باشد - به قول خود شان براساس "کمک انترناسیونالیستی یا برادرانه "! صورت گرفت .

تاریخ این یورش ، ششم جدی سال ١٣٥٨ هجری- خورشیدی ، برابر با ٢٥ دسامبر ١٩٧٩ میلادی بود که می بایست آنرا سرآغاز فصل خونینی ازبد ترین فجایع ضد انسانی قلمداد کرد .

هرچند به باور"شعله چاه آبی" روسها درهمهٔ یورش های ناعاقبت اندیشانه - که ازآنها اشارت رفت - مرتکب جنایات بزرگی درافغانستان شدند. چنانچه می گوید :

نوبت اول به هرا فوج راند
زنده کسی زآتش کینش نماند
لشکرخود چون سوی درقد کشاند
یک تن ما صد تن شان را دواند
روس زما دست هماندم فشاند
پشت بگرداند و شد آن سوی آب ...

شاعرمتعاقب آوردن دو مصراعی که دربالا به نقل آنها پرداخته شد، بند دیگرسروده اش را اینگونه می آغازد:

روس که ناچار شد وپشت داد
با همه شرمندگی و نامراد..
اردوی بسیار خود از دست داد
غیرت وجان بازی ما قوم راد
با همه وحشیگری ازپا فتاد ....!

ابیات بعدی راجع به نکوهش تفرقه وشیوع مرض مُهلک اختلاف درصفوف مجاهدین است که وی روحانیت مبارک جناب سرور کائنات " صلی الله علیه وسلم " را وسیلهٔ ختم چنین اختلافات وچند پارچگی ها می سازد .

***

مولوی عبدالرشیدجوهری- که ازعلمای مجاهد دیارجوزجانان بود- سروده هایی دارد به دوزبان: (اوزبیکی ودری- فارسی).

برخی ازاشعاراوزبیکی وفارسی او، به نشرات جهادی اقبال چاپ یافته اند.اما با تأسف باید گفت که شمارمحدود واندکی ازاشعارحماسی وی دراختیار ما قرار دارد .

نگارنده - که دردیارهجرت همیشه با این دانشمند دیدووادیدهای زیادی داشت- اطلاع دارد که موصوف چند مجموعهٔ اشعار خود را با خط زیبایش ترتیب داده بود .معلوم نیست پس ازشهادتش آثار قلمی او به چه سرنوشتی مواجه شده اند ؟

او دربیت یکی ازغزلیاتش - که لحن تشجیعی دارد - چنین می سراید :

تجاوز اینکوچی بو روس خائن نینگ اوروب برهم
توکوب قانین وطن ملکینی آزاد ایلامیمیزمو ؟

یعنی:به هدف شکست دادن قشون تجاوزگر وخیانت پیشه،چرا آمادهٔ ایثاروجان بازی نباشیم، تا بدین ترتیب وطن را آزاد سازیم ؟

مطلع این شعرنیزحاوی پیامی والاست ودربرگیرندهٔ مذمت تجاوز ویورش اردوی سرخ دروطن ، وطنی که به اثر حملهٔ دشمن به ویرانه تبدیل شده ونیازجدی به بازسازی دارد :

وطنداشلر! وطن نینگ قایته دن یاد ایلامیمیزمو؟
قریب ، قمسب ، ایزیب ، یولارنی بر باد ایلا میمیزمو؟

بحثی پیرامون مثنوی مولانا جلال الدین محمدبلخی

دکتور شمس الحق آریانفر — قسمت سوم

باری برمثنوی مولانا طعنه می زنند ومی گویند: مثنوی سخنان پست است وشرح مقام تارسیدن به خدانیست.

کاین سخن پست است یعنی مثنوی
قصهٔ پیغمبراست وپیروی
نیست ذکربحث و اسرار بلند
که دوانند اولیا این سوسمند
ازمقامات تبتل تا فنا
پایه پایه تاملاقات خدا
شرح و حد هر مقام و منزلی
که به پرا و بر پرد صاحبدلی

مولانا وقتی این طعن و انتقاد را پاسخ می دهد، مستقیماً بر قرآن تکیه می کند، و به گونهٔ مقایسه می گوید: کتاب خدا را هم افسانه گفتند و یاد آور شدندکه تحقیق در آن نیست وکودکان می فهمند.

این استدال و توجه و مثال زدن برقرآن، نیز نشان می دهد که مولانا ، در ارایهٔ مثنوی به گونهٔ داستانی و تمثیلی و بدون نظم... قرآن را راهنمایی خود داشته است.

چون کتاب الله بیامد هم بر آن
این چنین طعنه زدند آن کافران
که دساطیراست و افسانه نژند
نیست تعمیقی وتحقیقی بلند
کودکان خرد فهمش می کنند
نیست جز امر پسند و ناپسند
ذکر یوسف، ذکر زلف پرخمش
ذکر یعقوب و زلیخا و غمش
ظاهر است و هرکسی پی می برد
کوبیان که گم شود دروی خرد

بعد پاسخی را می آورد که خداوند بر زبان محمد (ص) به معترضان بر قرآن دارد:

گفت اگر آسان نماید این بتو
این چنین آسان یکی سوره بگو
جنیان و انسان و اهل کار
گویکی آیت از این آسان بیار

***

قرآن و مثنوی و پیوند های دیگر

نگاهی بر ابعاد مختلف مثنوی، همسانی های دیگر این کتاب را با قرآن کریم می رساند که همه بیان توجه عمیق مولانا به قرآن شریف بوده است.

مسیریگانهٔ وصلت: در قرآن کریم، مومن، به صفای باطن و پاکیزگی درون خوانده می شود تا بااخلاص و صداقت به محبوب وصل گردد، مولانا در مثنوی نیز همین راه را در برابر سالک قرار می دهد و معتقد است که باعشق و اخلاص و سلب تعلقات می توان به باری تعالی رسید، نه از طریق استدلال های فلسفی وکلامی.

سید جعفر شهیدی می نویسد: پس از قرنها که فیلسوفان در راه پرپیچ و خم سرگردان بودند، راه تازه یی پیش روی حقیقت جویان گشاده شد. راهی که از نخست قرآن باز کرده بود. درون نگری و بازگشت به فطرت از راه های تصفیهٔ باطن و مجاهدات با استعانت از خدای متعال.

تداوم شرح وتفسیر: قرآن کریم یگانه کتابیست که یافت معنی و مفهوم آن پایان ناپذیر است و در هر دوره و زمانی شارحان، مفسران، مطابق فهم و صلاحیت خویش، شرح و تفسیر برآن نوشته اند. اما هیچگاه این شروح تمام وکامل نبوده، همیشه با درنظر احاطهٔ علمی و آگاهی بشر،کشف ها و یافت های نوی از قران به عمل می آید و این جریان جادوانی است.

از کتاب های ساختهٔ بشر فقط مثنوی است که حدو د ٨٠٠ سال است شرح و تفسیر می گردد. بوده است کتابهای دیگری چون فصوص الحکم ابن عربی که چندین شرح دارد، اما آن سلسله متوقف گردیده و اکنون شرح نوی برآن نوشته نمی شود. اما مثنوی گنج ذخایرست که پایان ندارد. به گونهٔ فرآن، شرح، یافت و برداشت از آن ، ادامه دارد و هرکس از ظن خود یار آن می شود. این امرپیوند دیگریست که مثنوی را با قرآن گره می زند.

مثنوی چون قرآن همیشه نواست: این از آن جهت است که مفاهیم مثنوی، همانا مفاهیمی است که از قران اخذ گردیده است. در همهٔ عرصه ها کتاب هایی که تألیف می گردد، محتویات آن بعد از مدتی در نتیجهٔ پیشرفت های علمی و اجتماعی و سیاسی، کهنه می شود، از رواج می افتد، و یا باطل می گردد. قرآن کریم یگانه کتابیست که گذشت زمان و دستآوردهای علم، ابعاد مختلف، و نایافتهٔ آن را روشن می سازد و ماندگاری اش را تسجیل می کند. **ادامه دارد**



به مناسبت هشتصد و یکمین سالروز تولد مولانا جلال الدین محمد بلخی

نامت بماند تا ابد

استاد عبدالعلی کوهی / استاد دانشگاه کابل

محمد رضا شفیع کدکنی در کتاب گزیدۀ غزلیات شمس که به کوشش او تدوین و چاپ گردیده است، در مورد اسم و نسب مولانا چنین گوید. نامش محمد ولقبش جلال الدین است. در ششم ربیع الاول سال ۶۰۴ هـ ق در شهر بلخ تولد یافته است. نیا کانش همه از مردم خراسان بودند.

"دانشنامه ادب فارسی در افغانستان" با اندک تغییر در عبارات عین همین مطلب را در مورد، نسب و اجداد مولانا ذکر کرده است. اکثر پژوهشگران و شاعران مثنوی مولوی، محمد جلال الدین بلخی رابه عنوان های خداوند گار بلخ، مولانا، مولوی، ملای رومی یاد کرده اند. وقتی که مولانا در دمشق نزد فقیه بزرگ کمال الدین بن العدیم تلمذ می نمود، بنا به نوشته اکرم عثمانی درین شهر به دیدار محی الدین عربی عارف و متفکر برجسته و بنیاد گذار وحدت الوجود رفت، پس از آن به قونیه باز گشت و به توصیه سید برهان الدین به ریاضت پرداخت. گفته شده است که در تکوین شخصیت صوفیانه مولانا ابن عربی موسوم به شیخ کبیر و به تعقیب آن دیدار جادویی وی با شمس الدین تبریزی نقش داشته است. نه تنها ملاقات مولانا با شمس الدین تبریزی تولد دیگر مولانا خوانده شده است؛ بلکه موجبات جاودانگی وی را نیز سبب گردیده است، طوریکه در دیوان کبیر شمس، بسیاری از شعر های مولانا، حکایت از حادثه ملاقات مولانا با شمس و غیابت آن دارد و شور و شیدایی مولانا از آنجا ناشی می شود مانند:

بروید ای حریفان بکشید یار ما را
به من آورید یکدم صنم گریز پا را

باید گفت که مولانا در ادبیات جهانی جایگاه خاصی پیدا نموده است و شخصیت چند بعدی جهان اسلام است، هنوز زمینه های بسیاری وجود دارد که در مورد مولانا باید به بحث و کنکاش پرداخته شود.

به قول داکتر سروش مولانا از آن شخصیت های بزرگی است که شاعران بعد از خود را تغذیه نموده است. یکی از ویژگی های مولانا عشق است و عشق مولانا از سایر عشق ها جداست. از نظر مولانا کندی در راه مطلب و هدف آفت است و عشق است که انسان را درین راه تیز و تیز تر میسازد، به همین هدف، عشق مولانا بالاتر از زهد است، زیرا عشق انسان را در راه هدف چالاک میسازد.

یک عنایت به ز صد گون اجتهاد: جهد را خوف است از صدگون فساد به نظر مولانا زهر ورزیدن، ترسیدن، کار های پسندیده اند اما نمیتوانند مانند عشق راه صد سال را در یک روز بپیمایند به نظر مولانا، برای رسیدن به هدف باید از سریع ترین شیوه ها و کوتاه ترین راه ها استفاده کرد، تا انسان دچار مصائب و بلایا نه گردد، به همین منظور شناخت عشق مولانا از بحث های خیلی مهم نزد عارفان و مولانا شناسان قرار گرفته است. و دکتر سروش در کتاب قمار عاشقانه رابطه مولانا و پیامبر اسلام را چنین بیان میدارد! « چرا مولوی به پیامبران، خصوصاً پیامبر بزرگوار اسلام (ص) حرمت فوق العاده می نهاد؟ در احوال او نوشته اند، وقتی صدای آذانی بلند می شد و مؤذن به نام پیامبر (ص) می رسید، مولوی به احترام می ایستاد و می گفت!

نامت بماند تا ابد
ای جان ما روشن ز تو

او در سراسر مثنوی از پیامبر (ص) به عنوان "سلطان البشر" نام می برد دلیل این احترام فوق العاده، علاوه بر عشقی که مولانا شخصاً به آن منبع فضیلت می ورزید، آن بود که از نظر وی پیامبران تسریع کننده راه رسیدن آدمیان به خداوند بودند".

ابن طفیل در کتاب صحا بن یقظان تلویحاً سخنان مولانا را می پذیرد و به این باور است که بشر بدون پیامبر هم می تواند خداوند را پیداکند. اما کار بزرگ پیامبران این است که راه بشر بسوی خداوند را نزدیک کنند و به این وصول سرعت بیشتر بخشند.

از نظر مولانا راه درمان رذیلت های نفسانی «عاشق شدن» است:

هر که را جامه ز عشقی چاک شد
او ز حرص و عیب کلی پاک شد
شاد باش ای عشق خوش سودای ما
ای طبیب جمله علت های ما
ای دوای نخوت و ناموس ما!
ای تو افلاطون و جالینوس ما

عشق از نظر مولانا در گام نخست، افلاطون و جالینوس ماست، زیرا اینها بزرگترین طبیب است، زیرا این طبیب در گام اول کدام درد را درمان می کند، پاسخ مولانا این است: شخصیت و ناموس بشر را تداوی می کند. از نظر مولانا نخوت و ناموسی بزرگترین بیماری آدم است، بلکه از شدید ترین رذایل است.

مولانا در مورد عفت و ناموس برای فرعون خطاب می کند.

های ای فرعون نا موسی مکن
تو شغالی هیچ طاووسی مکن
سوی طاووسان اگر پیدا شوی
عاجزی از جلوه و رسوا شوی

ناموسی کردن؛ یعنی ناز کردن، تکبر ورزیدن، خود خواهی، خود فروشی، خود پسندی است و عشق می تواند بر این ناموس خط بطلان بکشد، مولانا از آن جهت شخصیت جهانی است که او طرفدار نو شدن تغییر و تحول در انسان است، به نظر مولانا وقتی انسان خود را عوض کند می تواند تسبیح جمادات را بشنود، مولانا در دفتر سوم مثنوی چنین می گوید: أبیت عند ربّی یُطعمُنی و یُسقینی، سخنان پیامبر، اسلام را شاهد می آورد که: گاه می شود من شب ها را با خدا سپری می کنم و او به من خوردنی و نوشیدنی میدهد. مفهوم این حدیث را مولانا چنین بیان کرده و گفته است که باید این را بدون تأویل پذیرفت:

چون أبیت عند ربّی فاش شد!
یُطعم و یُسقی کنایت ز آش شد
هیچ بی تأویل این را در پذیر!
تا در آید در گلو چون شهد و شیر

گفته اند که مولانا به بحر وصل است، به همین سبب سخنان وی و بحث روی اندیشه های وی پایان ناپذیر است، هنوز زوایای فراوانی وجود داردکه باید پیرامون آن بحث کرد و از آن مروارید های جدیدی را از دریای بیکران مولانا بدست آورد. حال یکی از غزل های مولانا را که در مورد عید جشن طبیعت و بهار سروده است و یکی از غزل های بسیار لطیف و ناب مولوی است و در حقیقت سخنان رسول اکرم ص را تداعی می نماید، در اینجا می آوردیم:

پنهان مشو که روی تو بر ما مبارک است
نظارۀ تو بر همه جان ها مبارک است
یک لحظه سایه از سر ما دور تر مکن
دانسته یی که سایۀ عنقا مبارک است
ای بستگان تن به تماشای جان روید
کاخر رسول گفت تماشا مبارک است
ای نو بهار حسن بیاکان هوای خوش
بر باغ و راغ و گلشن و صحرا مبارک است
بر خاکیان جمال بهاران خجسته باد
بر ماهیان تپیدن دریا مبارک است
دل را مجال نیست که از ذوق دم زند
جان سجده می کند که خدا یا مبارک است.

امام شافع در توضیح این مطلب و نقش آن در شهرت برخی فیقهان چنین می گوید: «لیث فقیه تر از مالک بود، ولی اصحاب و یاران او به این کار اقدام نکردند یعنی به تدوین آراء و اقوال امام خویش نپرداخته و آن ها را در میان مردم نشر و پخش نکردند طوری که شاگردان امام مالک به این کار پرداختند". (۱)

سوم: فقدان موجودیت نهادی که عملیۀ اجتهاد را تنظیم بخشد و آن را در شخصیت هایی منحصر سازد که اهلیت انجام این عمل را داشته باشند، تصدی اشخاص فاقد اهلیت فتوا، منجر به لگام گسیختگی و انارشیزم در اصدار فتوی و احکام و اختلاف آن ها در یک مساله شده و بروز این لگام گسیختگی در فتوا واصدار احکام، باعث آن گردید که علماء در اواخر قرن چهارم هجری به سد باب اجتهاد نظر دهند و قضات و مفتیان را مکلف سازند که به اقوال ائمۀ چهار گانه که مورد پسند قاطبه امت اند، حکم و فتوای خود را صادر نمایند.

این امر مسلمانان را در حالت جمود و تمسک به گفته های گذشتگان قرار داد همان گونه که ابن خلدون در مقدمۀ خویش این امر را ابراز داشته و گفته است: «تقلید از ائمه چهار گانه در شهر ها (در میان مسلمانان) استقرار یافته و مقلدان به دیگران درس تقلید

تهاجم قانونی غرب در کشورهای اسلامی

سیدعنایت الله شاداب استاد دانشگاه کابل / قسمت پنجم

دادند و مردم به خاطر کثرت اصطلاحات در علوم، باب اختلافات و راه های آن را مسدود کردند، تا این تقلید مانع رسیدن به رتبۀ اجتهاد گردیده، و به خاطر ترس از نسبت دادن اجتهاد به فاقدان اهلیت آن و آن هایی که رأی و دین شان مورد اعتماد نمی باشد، عجز و ناتوانی خود را ابراز داشته و مردم را به تقلید از ائمۀ چهارگانه رجعت دادند و مقلدان و پیروان هر کس را مخصوص همان کس (همان مذهبی) ساختند که از آن تقلید می کردند و از این امر جلوگیری کردند که کسی تقلید خویش را به بازی گرفته و از مذهبی به مذهب دیگری برود، وظیفۀ مقلدین در این وقت نقل مذاهب شان و عمل هر مقلد به مذهب کسی بود که از آن مذهب تقلید می کرد، البته بعد از به صحت رسیدن اصول آن مذهب و اتصال سند آن به روایتی و تا امروزه هم محصول فقه غیر از همین که بدان اشاره رفت چیز دیگری نبوده و هر که دعوای اجتهاد را در آن به راه می انداخت، عقب زده می شد و تقلید «از آن ممنوع به حساب می رفت، و اسلام، امروز در شکل تقلید از همین ائمه چهار گانه تبارز یافته است(۲)» بدون شک مقلدین این عمل نا صواب را با عمل نا صواب دیگری تصحیح نمودند.

چهارم: ولایت قضا: قضا خود میدان عملی در تطبیق احکام بر وقایعی است که نیازمند ملکۀ استنباط احکام از منابع آن بوده و بر بنیاد همین امر در عصر های نخستین، خلفا، قضا را تنها به عهدۀ کسانی می گذاشتند که در درجۀ اجتهاد قرار داشتند، مگر آنان بعد از عصر های اولی از این شرط در گذشته و به واگذاری آن به یکی از پیروان مذاهب چهار گانه قناعت نمودند، بویژه بعد از تدوین مکاتب فقهی که برای قاضی ثبات در احکام را فراهم نموده و موقف وی را از طعن ونقد بدور نگهداشتند، طعن و نقدی که فقها همواره متوجه قضات می کردند همان گونه در برابر ابولیلی چنین عملی را انجام دادند.

این امر زمانی بیشتر مورد تأکید قرار گرفت که خلفا و حکمروایانی که پیرو مذهب معینی بودند ولایت قضا را تنها به کسانی می سپردند که از پیروان مذهب شان بودند همان گونه که مذهب شافعی در مصر، مذهب حنفی در دولت عثمانی، مذهب مالکی در المغرب و مذهب حنبلی در حجاز به چنین کارهایی اقدام کردند.

پنجم ـ عدم اعتماد به نفس: فقها خویشتن را متهم به ناتوانی و تقصیر از رسیدن به مرتبۀ مجتهدان سابق کرده و حکم کردن بر خلاف نظر ائمۀ خویش در یک مساله را رد نمودند گویی حق به زبان ائمه شان نازل شده (که خلاف آن گناه) است امام ابوالحسن کرخی یکی از امامان حنفی در عراق در قرن چهارم هجری متوفی (۳۴۰) ق حقیقت فوق را با این گفته خویش تمثیل نموده و گفته است : «هر چیزی که در تضاد با گفتۀ اصحاب ما باشد آن را باید به منسوخ بودن حمل کرد» (۳)

ابن سخن کجا و گفتۀ امام مذهب او (ابوحنیفه رح) کجاست که گفته بود:

این چیزی بود که بر آن علم پیدا کردیم و خوبترین چیزی بود که به آن دست یافتیم کسی که بهتر از آن را برای ما بیاورد آن را می پذیریم» (۴)

و این است گفتۀ امام شافعی: «آنگاه که حدیث به صحت رسد آن مذهب من است» (۳)

و در چنین جوی است که هر کس به مذهب معینی التزام نموده و خود را در دایرۀ آن محصور می سازد و آنچه در توان دارد در راستای تأیید و نصرت او مبذول می دارد. با وصف آن که ائمۀ مذاهب از تقلید و تمسک به رأی آن ها بدون حجت و دلیل منع نموده و هشدار می دادند. ولی بازهم فقها کار های بزرگی را ـ ولو در چهارچوب مذهب هم بود ـ پیشکش جامعۀ اسلامی نمودند که در عرصۀ فقه و تشریع اسلامی خدمتی بود بس عظیم **ادامه درص ۶**

چالش های تفتیش و بررسی در افغانستان

احسان نکته دان

قسمت چهارم و آخر



۳- چالش عدم استاندارد گذاری

هر عضو حرفه تفتیش که تاریخچه توسعه وگسترش نظریه در تفتیش را خوانده باشد می بیند که تضاد عقائد عجیبی در فرموله بندی اصول واستاندارد به سطح بین المللی در این مسلک وجود دارد. بنابر آن جای هیچ احساس ناخرسندی باقی نمی ماند که پس از اینکه می بیند عملا استاندارد گذاری در قالب فرآیند گونه شکل می گیرد وتوجیه و تفسیر می شود. در کشور ما تا هنوز در این ارتباط چندان کاری صورت نگرفته است تا در روشنی آن مفتشان وبازرسان ما حرکت کنند وخود را مطابق آن عیار سازند. در حالت کنونی گرچه از طرف بعضی موسسات بین المللی به ویژه بانک جهانی در زمینه استاندارد سازی این مسلک اقداماتی صورت گرفته است وبعض مشاورین خارجی را استخدام نموده اند تا در این راستا ما را یاری رسانند ودر مسیر بازرسی قرار دهند وهدایات وراهنمایی های لازم را انجام دهند. اما به نسبت کم رنگ جلوه دادن موضوع از طرف دولت تا هنوز واحد های تفتیش وبررسی به ویژه تفتیش داخلی ادارات موفق نشده اند تا از استاندارد های ویژه پیروی نمایند وشکل واحدی را به کار خود بدهند. ودر حال حاضر بعض واحد های تفتیش به ویژه واحد تفتیش داخلی وزارت مالیه قدم به سوی ترجمه استاندارد های بین المللی به عنوان استاندارد ملی برداشته است تا بتوان از این طریق سد راه انتقاد های احتمالی در مورد تفتیش وبررسی شوند.

گرچه برای کشوری که تازه قدم در راه بهبودی امور خود در عرصه های مختلف نهاده است، به ویژه در راه خصوصی سازی، ومعلوم نیست که دنیا ما را بالاخره به عنوان عضوی از خود بپذیرد یا چطور؟ویا اینکه در راه خصوصی سازی پس از تجارب وتلاش موفق می شویم یا چطور؟ حدود چند سال است که از استاندارد های بین المللی برای عمل محاسبه وتفتیش استفاده می کنیم، ولی این استاندارد طوری که قبلا تذکر رفت شکل واحدی در کشور های مختلف جهان ندارد وتنها انجمن مفتشان داخلی امریکا IIA ویا INTOSOI بعض استاندارد ها را به نشر رسانده اند که در اکثر وبیشتر جهان مورد اجراء قرار می گیرد. اما این استاندارد مفهوم آن را ندارد که در یک کشور به عقب مانده چون افغانستان نیز همین استاندارد ها مورد قبول قرار گیرد.

این مشکل را باید دولت جدی تلقی نموده در جهت بهبود بخشیدن امور حسابداری وباز رسی اقدامات نموده استاندارد های مشخصی را با استفاده از استاندارد های بین المللی در معرض وجود قرار دهند تا این مشکل حل شود.

۴- چالش گزارشدهی بی مایه وروتین از دیدگاه نهاد مورد بررسی واستفاده کنندگان:

یکی از چالش های عمده تفتیش گزارشدهی تفتیش است که از دیدگاه نهاد های مورد بررسی واستفاده کننده بی مایه وروتین تلقی شدهٔ به آن اهمیت داده نمی شود. اکثرا چنان واقع می شود که اداره مورد بررسی گزارش هیأت را دریافت نموده می بیند که در آن چیز های تازه انعکاس نیافته به همان شکل کلاسیک وروتینی که در سال های قبل ارایه شده بود انعکاس یافته است وبار ها شده است که در گزارشات تفتیش که به صورت غیر مقبول ارایه می شود بند های گزارش علی رغم اینکه رهنمود های قابل وصفی صورت گرفته است، دقیقا بدون هیچ گونه کم وکسری به جز تغییر در ارقام عینا تکرار می شود واین موضوع می تواند نوعی سر خوردگی برای کسانی که منتظر خبر های جدید در خصوص وضعیت مالی ونتایج عملکرد اداره هستند را موجب شود. این موضوع گزارش حسابرسی را در نزد برخی از استفاده کنندگان بیهوده وخالی از فایده به نظر می آورد. واداره مورد بررسی ودیگر استفاده کنندگان، گزارش تفتیش را یک امر تشریفاتی نزد خود ارزیابی می کنند. واین موضوعی است که مقام های ذیصلاح بایستی به آن طور جدی فکر کنند در صورتی که گزارش هیأت های تفتیش ایجاب تطبیق عملی را نماید باید از اداره مورد رسیدگی در قدم نخست تعهد اخذ شود ویا اینکه مقاماتی که گزارش را دریافت می نمایند باید به محتویات گزارش دقت به خرج داده در زمینه هدایات لازم ارایه نمایند. واز طرف دیگر زمانی که گزارش هیأت پیگیری نشود وجنبه تطبیقی نداشته باشد تفتیش وبررسی اهمیت خود را از دست می دهد. این جاست که بررسی های که در حال کنونی در اداره های دولتی صورت می گیرد، به نسبت همین موضوع سودمندی خود را از دست داده چندان نتایج مطلوبی را به بار نمی آورد. وتا زمانی که گزارش ها مبتنی بر واقعیت های کشف شده وبررسی های واقعی ریسک به صورت درست وموثر آن ارایه نشود واز طرف مقام های ذیصلاح جدی تلقی نگردد این بررسی ها جز ضیاع وقت وهدر رفتن نیروی بشری نتایج دیگری به بار نخواهد آورد.

۵- هرم پاسخگویی عمومی وشفافیت وفرهنگ پاسخگویی جایگاه ونقش مفتشان:

اجتماع گاهی وقت ها انتظاراتی فرا تر از آنچه که در کلیت یک نظام حاکم است از مفتشان دارند. از طرفی در یک جامعه بیمار با وجود اقتصاد غیر رسمی فعال وقوی وشفاف که اقتصادش مبتنی بر بازار آزاد استوار باشد نمی توان انتظارات مازاد به محدودیت های تفتیش وبررسی را از مفتشان درخواست کرد. هرم پاسخگویی وشفافیت از بالا به پایین است ونه بالعکس. وتا زمانی که این موضوع حل نشده از مفتشان وبازرسان انتظار شفافیت حد اکثری را نمی توان داشت. علاوه بر این به دلیل عدم وجود قوانین وسیستم های شفاف در خصوص امور مالی ودر خصوص مسؤولیتهای جزایی وکیفری احتمالی که مفتشان را تهدید می کند نمی توان این انتظار را داشت. در همچو حالت که نه اقتصاد قوی وجود دارد ونه شفافیت ؛ چگونه می توان از مفتشان وبازرسان انتظارات خوبی را توقع نمود.

۶- چالش عدم ارتباط با سایر مراکز تفتیش وباز رسی بین المللی

واحد های بررسی چه تازه به وجود آمده وچه سابقه دار(به جز اداره کنترل وتفتیش که اکنون ادعا دارند عضویت سازمان بین المللی INTOSOI را کسب نموده اند) ارتباط فعال وسازنده ای با مراکز حرفه ای واستاندارد گذاری در ورای مرز ها ندارند. لذا یکی از نکات ضعف موجود در رشد وگسترش حرفه تفتیش وبررسی عدم ارتباط سازنده وبه تبع آن عقب ماندن از قافله رشد وتوسعه جهانی حرفه وآموزه های نوین در این خصوص است. بناء به منظور ارتقای سطح علمی اعضا وترغیب کردن آنها برای پیوستن به نهاد های بین المللی لازم است تلاش های لازم وضروری توسط سیاست گذاران در این نهاها به منظور اطلاع رسانی وتبادل اندیشه ها وتجارب صورت پذیرد تا بدین وسیله ضمن ارتقاء آگاهی مفتشان از تحولات بین المللی در خصوص حرفه تفتیش به تدریج پیوند وارتباط بیشتری با جامعه جهانی بر قرار شود.

۷- چالش فرهنگ سازی اندک وعدم آشنایی با نقش وخدمات مفتشان:

در گذشته واحد های تفتیش وبررسی از نقش خود در بهبودی ادارات ونهاد های دولتی غافل بوده نتوانسته اند در معرفی خدمات ونقش خود در بهبود بخشیدن امور نهاد های دولتی موفقیت چندانی را به دست آورند. واز نظر نگارنده این یک چالش بزرگی است که نهاد های دولتی تا هنوز از نقش تفتیش وبررسی غافل بوده وفرهنگ اذعان واقعیت ها را به خود رشد نداده کسب نکرده اند. اغاز کار مفتشان در نهاد های دولتی بر کارمندان آن نهایت دشوار به نظر رسیده مفتشان را به دیده نخستین دشمن خود می نگرند وآماده نیستند نظریات وپشنهادات سازنده مفتشان را با گردن نهاده بپذیرند وآنها را در این راستا یاری دهند. تا زمانی که مفتشان نقش خود را در نظام اقتصادی کشور به اثبات نرسانند ونهاد های مورد رسیدگی را از نقش خود آگاه نسازند واز سوی دیگر دست اندر کاران این حرفه با آگاهی از نقش خود، وظایف واگذار شده را به صورت درست وکامل در راستای اعتلای حرفه به خدمت نگیرند نمی توان توقع بر آورده شدن نقش آنها را برد.

ومن الله التوفیق

تهاجم قانونی غرب در کشورهای اسلامی ...

که خلاصهٔ آن ها را می توان در تعلیل احکام منقول از ائمهٔ شان و نیز خلاصه کردن قواعد استنباط از فروع مذاهب، در جهت آشنایی به روش هایی که امام و پیشوای مذهب آن را تعقیب می کردند نشان داد. افزون بر آن کاری دیگری را که این فقهاء انجام دادند می توان آنها را در ترجیح در میان اقوال منقول از امام و تنظیم و سامان دادن مذهب از طریق تنظیم احکام آن وتوضیح مجمل و تقیید مطلق و شرح و تعلیق و اثبات آن ها از طریق دلائل با ذکر مسائل مورد اختلاف با مذاهب و تحریر دلایل اختلاف، و ... جمع بندی کرد. (۵)

نتایج و پیامد های پدیدهٔ تقلید در عرصهٔ مذاهب

تقلید نتایج و پیامد هایی بس خطیر را با خود آورد که ضرر هایی را متوجه فقه اسلامی نموده و آن را از توان پاسخگویی به پدیده های نو ظهور و همگامی با آن ها محروم ساخت از جمله نتایج تقلید می توان به موارد ذیل اشاره کرد:

اول ـ جمود و ایستایی فکری: پدیدهٔ تقلید در فقه اسلامی که در قرن چهارم هجری به ظهور پیوست، در قرن های بعدی بویژه پس از سقوط و فروپاشی خلافت عباسی توسط هلاکو در سال (۶۵۶) هـ رو به تزاید نهاده و چنان در زندگی جامعهٔ اسلامی ریشه دوانید که فقه را از حالت رکود به حالت جمود، انتقال داد. سعی و تلاش علما همه برمحور آثار اسلاف و گذشتگان ـ بدون این که تلاش در جستجوی علل احکام و ترجیح یکی بر دیگری صورت پذیرد ـ می چرخید با وصف آن که در این دوران شخصیت های بزرگی چون ابن تیمیه و شاگرد او ابن قیم و شوکانی فریاد های ضرورت اجتهاد مطلق و گرفتن احکام زندگی در روشنایی دساتیر قرآن و سنت ـ به دور از تقلید به مذهب معین ـ در برابر این جریان عمومی بلند شد ولی این فریاد ها نه تنها در حد لازم مخاطب پیدا نکرد که از طرف مقلدان و پیروان مذاهب ـ که زندگی خویش را در تمسک به اقوال ائمه و پابندی به اصول مذاهب و فروع و موارد تطبیق آن ها می دیدند ـ مورد نقد و طعن قرار گرفتند.

هر مذهب در جایگاه شریعت اسلامی و حتی در مقام حَکَم بر آن قرار گرفت که باید شریعت را از خلال تعلیمات آن شناخت، چیزی که هم خلاف حق بود و هم در تضاد با واقعیت، زیرا هیچ یک از مذاهب را نمی توان در موقف عصمت قرار داد؛ تا در مقام حجت بر شریعت قرار گیرد بلکه حقیقت عکس آن بوده است که شریعت در مقام حجت است برای مذهب، زیرا هر یک از این مذاهب تفسیری از تفسیر های شریعت به حساب رفته و روشی است از روش های استنباطی احکام. (۶)

با حاکمیت همچو یک طرز دید تلاش ها و جدوجهد دانشمندان به جای آن که در جهت بحث و کاوش و ابداع و نوآوری و گزینش راه های درست در راستای رسیدن به حقایق علمی و راه حل های مشکلات زندگی که گذشتگان در آن راه می رفتند، حرکت نمایند، خود و مردم را در تنگنا و مضیقه قرار دادند، در حالی که همان مواد معرفتی قبلی بعد از تدوین آن ها درمیان مردم، در دسترس آن ها قرار داشت.

در همین دوران است که همهٔ هم و غم علما را مختصر ساختن کتاب های تألیف شده قبلی تشکیل می دهد و جمع مفاهیم زیاد در الفاظ کم و کوتاه کار آن ها می شود که امروز از این گونه کتاب ها به نام «متون» یاد می کنند، متونی که غالباً شبیه به معماها بوده است که انسان در فهم آن دچار مشکل می گردد، برای این متون شرح هایی را نوشته اند که به تفسیر این متون پرداخته و از معانی پوشیدهٔ آن ها پرده بر می دارد، سپس علما حواشی و ملاحظات و تعلیقات و تقریراتی را بر این شروح افزودند، این گونه اعمال همه بیانگر آن است که همهٔ تلاش به جای آن که در راستای جوهر علم توجیه شود، بر محور جوانب لفظی این متون می چرخیدند، کاری که عزم مشتاقان این علوم را متوجه آگاهی از معانی عبارات و حل ترکیب ها کرد و توجهٔ طلاب فقه را به فهم عبارات کتاب ها معطوف نمود و آن ها را از تأمل و نظر در کتاب خدا و سنت پیامبر صلی الله علیه وسلم دور نگه داشت (۷)

اگر پدیدهٔ تقلید، فقه اسلامی را متضرر ساخت و دامنهٔ آن را با جمود در آثار گذشتگان اسلامی و چرخیدن بر محور آن با مختصر سازی و شرح و تعلیق بر آن ها و عدم امکان نقل دادن فقه همگام با حوادث نو پیدا و پاسخگو به واقعیت های موجود و دوری از روح شریعت و جوهر آن ـ طوری که گذشتگان از آن فهمیده بودند ـ و رفتن به شکلیات و ظواهر که باعث از میان بردن ویژگی های مرونت و انعطاف پذیری در شریعت اسلامی گردیده و خلاء قانونی وسیعی را در کشور های اسلامی ایجاد کرد و شکافی را به جا گذاشت که پیوند بین نظر و تطبیق، از امکان به دور جلوه می کرد، فشار عوامل خارجی بر جوامع اسلامی بعد از نهضت رنسانس اروپا و پیامد های آن، نظرها را متوجه به عاریت گرفتن قوانین غربی و داده های آن کرد و شریعت اسلامی را شریعتی قلمداد کردند که فاقد صلاحیت تطبیق در زندگی است و همین بود نتیجهٔ منطقی آنچه در قرن چهارم و بعد از آن گذشت.

پی نوشت ها:

(۱) محمد الخضري، تاريخ التشريع الإسلامي ص ۳۳۲
(۲) ابن خلدون، عبدالرحمن، المقدمه ص ۴۱۳
(۳) كرخي، ابوالحسن، الرساله ضميمة كتاب تاسيس النظر للديوسي
(۴) ابن القيم، محمد بن ابي بكر الزرعي، إعلام الموقعين عن رب العالمين ج ۱۹۵/۲
(۵) ابو زهره، محمد عمر الشافعي حياته و عصره و آراءه ص ۷۸
(۶) محمد الخضري، تاريخ التشريع الإسلامي ص ۳۳۱-۳۳۴
(۷) الزرقاء، د. مصطفي احد/ المدخل الفقهي العام
(۸) د. مصطفي الزلمي/ المدخل ۲۲۱-۲۲۲

امریکایی ها بار دیگر به هلمند آمدند

ابوبکر سبزوار

بعضی از فرماندهان امریکائی پیشبینی می کنند که در سال آینده احتمال دارد که تعداد تلفات نیروهای امریکائی به ماهانه ۳۰۰ تا ۵۰۰ تن برسد. احتمال اینکه تلفات واقعا به این اندازه برسد کمی مشکل است اما به نظر می رسد که فرماندهان امریکائی درافغانستان سعی دارند تا ذهنیت هادر امریکا را در رابطه با تلفات سنگین احتمالی آینده آماده سازند



چند سال قبل نیروهای امریکائی از هلمند خارج شدند و اداره‌ء این ولایت ناامن و کوکنار خیز را به نیروهای انگلیسی سپردند. امریکائی ها در طول زمانی که در هلمند بودند، چنان مردم این ولایت فشار آوردند که مردم برای دفاع از خود ناچار به حمایت از طالبان گردیدند. وقتی نیروهای انگلیسی به هلمند آمدند، زمینه را امریکائی ها بشدت خراب کرده بودند و اصلاح وضع به سادگی ممکن نبود. انگلیس ها مدتی را در جنگ وگریز با طالبان سپری کردند و سرانجام با اعتراف به اینکه توان مقابله و جنگ فرسایشی را با امکانات موجود ندارند، راه دیگری را در پیش گرفتند.

آنها سعی کردند تا گروپ های طالبان محلی را که درگیر جنگ نبودند در اداره‌ء ولسوالی ها شریک سازند و خود از معرکه کناره بگیرند. نخستین قدم در ولسوالی بزرگ موسی قلعه برداشته شد و انگلیس ها پس از سپردن اداره موسی قلعه به طالبان محلی، از این ولسوالی خارج شدند. فرض بر این بود تا این ولسوالی توسط محاسن سفیدان محل اداره شده و کار بازسازی در آن ادامه یابد.

اما طالبان تحت رهبری ملا محمد عمر بسرعت دست بکار شده و به ولسوالی آمدند. هیچکس در برابر آنان مقاومت نکرد و آنها نیز همانگونه که عادت شان بود، بجای اینکه از تعمیر تازه ساخته شده‌ء ولسوالی استفاده کنند، آنرا ویران کردند و بروی ویرانه های آن بیرق سفید امارت اسلامی را برافراشتند که بصورت واضح نمایانگر دفاع از ویرانگری بود.

انگلس ها از این اقدامات خویش درس نگرفتند و در تلاش تماس های بیشتر با طالبان شدند. سفر های مایکل سمپل و ماروین دو دیپومات انگلیسی که در دفتر جامعه‌ء اروپا در افغانستان کار می کردند، به هلمند و دیدار های آنان با ملا منصور دادالله ادامه یافت و سرانجام دولت افغانستان این دو دیپلومات را بعنوان عناصر نامطلوب از افغانستان اخراج کرد.

یک هدف از این کار این بود تا مردم محل را در برابر طالبان قرار دهند و به این ترتیب جنگ داخلی در بین طالبان، آنانرا تضعیف نماید. جنرال دیوید ریچاردز فرمانده انگلیسی نیروهای خارجی، خود را دنباله رو اسلاف خویش در دوران استعمار بریتانیا می پنداشت که می تواند با قبایل به نوعی مصالحه دست یابد اما امریکا و دولت افغانستان از این اقدامات هرگز راضی نبودند. منظور انگلیس ها بوضوح این بود که با چنین کاری می توانند مسئولیت افزایش کشت تریاک را بدوش مردمان محل بیاندازد.

طالبان حدود دوسال در موسی قلعه ماندند و این حضور آنان به تقویت روحیه‌ء جنگجویان شان کمک کرد. سرانجام تصمیم نیروهای خارجی بر این شد تا موسی قلعه دوباره به کنترول دولت افغانستان ونیروهای خارجی درآید. صدراعظم و وزیر دفاع انگلیس هردو به کابل آمدند تا از جریان نبرد نیروهای شان نظارت کنند. پیروزی بر سرسخت ترین نیروی چریکی جهان کاری ساده نبود و بیش از چهل کشور برای یک جنگ جهانی کوچک آمادگی می گرفتند. نیروهای خارجی به این امید بودند که طالبان را بصورت کامل نابود کنند اما طالبان همانگونه که خصلت جنگ های چریکی است، توازن قدرت را به نفع خود ندیده و از صحنه غایب شدند. اما همین پیروزی هم برای نیرو های خارجی با پیوستن ملا عبدالسلام یکی از فرماندهان طالبان به نیروهای خارجی ممکن شد.

امریکائی ها از شیوه‌ء کار انگلیس ها در هلمند ناراضی بودند. رشد تولید مواد مخدر در هلمند تمام ریکارد های گذشته را شکست و کار را به رسوائی رسانید.

اکنون پس از مدتها بگومگو ها تصمیم گرفته شده تا کنترول سه ولسوالی در ولایت هلمند به امریکائی ها سپرده شود این سه ولسوالی عبارتند از ولسوالی های گرمسیر، کجکی و موسی قلعه. در ولسوالی کجکی بند آبگردان بزرگ کجکی قرار دارد که در دهه‌ء پنجاه میلادی به کمک امریکا در وادی هلمند ساخته شد. کار بازسازی این بند و توربین های برق آن مدتی است که به دلیل ناامنی ها به مشکل برخورده است.

نیروهای انگلیسی برای خروج از این سه ولسوالی آمادگی می گیرند و به گفته‌ء والی هلمند اگر در این سه ولسوالی نیروهای امریکائی مستقر گردند، وضع بهتر خواهد شد در حالیکه امریکائی ها در هلمند خاطره‌ء خوبی از عملکرد های گذشته‌ء خویش در ذهن مردم این ولایت نگذاشته اند. هرچند خواست دولت افغانستان اینست که نیروهای جدیدی که به افغانستان می آیند باید در سرحد با پاکستان مستقر گردند.

حدود ده هزار سرباز بریتانیائی در ولایت هلمند مستقر اند که بیشترین تلفات را در ولسوالی سنگین داده اند. نیروهای انگلیسی در طول هشت سال گذشته در افغانستان ۲۴۶ کشته داده اند و از این تعداد ۱۰۸ نفر آن تنها در سال گذشته‌ء عیسوی ۲۰۰۹ بوده است.

بیرون شدن نیروهای انگلیسی ازهلمند به معنی خارج شدن کامل آنها از این ولایت نخواهد بود بلکه قرار است ۱۱۰۰ تن از سربازان انگلیسی در لشکرگاه مرکز ولایت هلمند مستقر گردند و در جهت تامین امنیت مرکز و ولسوالی های نزدیک به لشکرگاه همکاری نمایند. ما درحقیقت در ولایت هلمند شاهد جابجائی نیروهای قبلی با نیروهای تازه نفس امریکائی هستیم که برای جنگ در بهار آینده آمادگی می گیرند. جنگ در طی ماههای آینده شدت بیشتر خواهد یافت و برای اینکار لازم است تا نیروهای امریکائی خود را با شرایط هماهنگ سازند. آنها امیدوارند که در طی هجده ماه آینده طالبان را بصورت کلی در همه افغانستان نابود سازند.

جنرال مک کریستال که سخت امیدوار به نظر می رسد به مردم امریکا اطمینان داده است که زمان تغییر وضع به نفع نیروهای ائتلاف در افغانستان نزدیک است اما همه فرماندهان نظامی به اندازه‌ء او خوشبین به نظر نمی رسند.

بعضی از فرماندهان امریکائی پیشبینی می کنند که در سال آینده احتمال دارد که تعداد تلفات نیروهای امریکائی به ماهانه ۳۰۰ تا ۵۰۰ تن برسد. احتمال اینکه تلفات واقعا به این اندازه برسد کمی مشکل است اما به نظر می رسد که فرماندهان امریکائی درافغانستان سعی دارند تا ذهنیت هادر امریکا را در رابطه با تلفات سنگین احتمالی آینده آماده سازند. در صورتیکه تلفات ماهانه به صد یا دوصد نفر هم برسد، ذهنیت ها در امریکا آنر در مقایسه با تلفاتی که انتظارش می رفت و پیشبینی شده بود، کمتر بیابند.

د ولايتي شوراګانو د ټاکنو جنجال...

د هيواد ولسي جرګه پدې هکله درروند مسووليت لري ځکه چې مخکې لدې چې د ملي شورا ډيرى غړي هم د ولسي جرګې په راتلونکو ټاکنوکې په ګډون کولو سره خپل بختونه وازمايي او د ولس محاسبې ته وړاندې شي بايد د راتلونکو ټاکنو شفافيت پدې هکله د خپل مسووليت په اداء کولو سره تضمين کړي، ورنه بيا به دوې اذانونه کوي خو ولس به يې ځواب ته نه راځي

پدې لړکې د مرغومې په يوويشتمه نيټه د ننګرهار په ولايت کې پاتې اعلان شوو نوماندانو د يوې درنې مظاهرې په ترڅ کې د څه وخت لپاره د جلال آباد - تورخم عمومي لاره کلکه بنده کړيوه او غوښتنه يې وکړه چې پدغه ولايت کې د ترسره شوو ټاکنو په دوران کې او هم بيا وروسته د پايلو د جمع کولو او اعلانولو پر مهال د ترسره شوو درغليو لامله دې د راتلونکو ولسي جرګې له ټاکنو سره يوځاى بيا ټاکنې وشي او په هيڅ صورت دوې ته دغه اوسنى پايلې د منلو وړ ندي.

د ننګرهار او همدا رنګه د نورو ګڼو ولايتونو د خلکو لخوا د ټولټاکنو په پايلو نيوکې او نانندرى پداسې حال کې را اوچتې شوي دي چې په همدې ورځو کې په ولسي جرګه کې هم د ولس استازي د ټولټاکنو په خپلواک (!) کميسيون د خپلو بې باوريو د څرګندولوپه لړکې نه يوازې داچې د دغه کميسيون د بدلون غوښتونکي شوي، بلکې د دغه کميسيون او همدارنګه د شکايتونو د کميسيون د غړو د محکمې او د بهرنيو غړو يې افغانستان ته د بيا راغوښتنې غوښتنه کړيده او دا ځکه چې دوې خپل مسووليتونه ندي ترسره کړي او وړاندې له دې چې د خلکو په شکايتونو غوره وکړي دغه مشوره يې همداسې جنجالي پريښې او خپلې پښې يې سپکې کړيدي، چې لامله يې د ترسره شوو ټاکنو د ناسمو پايلو په نتيجه کې د ولسي جرګې لپاره د راتلونکې غبرګولي په مياشت کې ترسره کيدونکي ټاکنې هم له ګواښ سره مخ کړيدي او لکه چې ولسونه ادعاء لري که دغه سپيناوى ونه شي نو ممکن نده چې راتلونکې ټاکنې لومړى ترسره شي او که چيرې ترسره هم شي نو هغه به هم له دې زياتې ناسمې اوله شفافيت څخه ليرې وي.

نوځکه بايد نړيوال او هم ولسمشر پدې هکله جدي تصميم ونيسي او د نوماندانو نيوکې او شکايتونه دې وڅيړل شي څو د ولسي جرګې راتلونکې ټاکنې يقينې شي او شفافيت يې تضمين شي. او په هغه ولايتونوکې چې په پراخه لاسوهنه ترسره شوې ټاکنې (لکه په ننګرهار ولايت کې) ترسره شوي ټاکنې يې پايلو شوي او تر سوال لاندې راغلي دي. دا به ښه وي چې د خلکو غوښتنې سره سم په استثنايي توګه د ولسي جرګې له ټاکنو سره بيا ترسره شي څو د خلکو او ولسونو د باور وړ وګرځي او هغه خلک چې پدې ټاکنو او پايلوکې په لاسوهنه تورن دي ژر تر ژره دې محاکمې ته راکښل شي او د لاسوهنو او جرمونو د ثبوت په نتيجه کې دې ورته سخته سزا ورکړای شي.

د هيواد ولسي جرګه پدې هکله درروند مسووليت لري ځکه چې مخکې لدې چې د ملي شورا ډيرى غړي هم د ولسي جرګې په راتلونکو ټاکنوکې په ګډون کولو سره خپل بختونه وازمايي او د ولس محاسبې ته وړاندې شي بايد د راتلونکو ټاکنو شفافيت پدې هکله د خپل مسووليت په اداء کولو سره تضمين کړي، ورنه بيا به دوې اذانونه کوي خو ولس به يې ځواب ته نه راځي. او دا هم نوره ولس ته د منلو وړ نده چې هر ځل د چل ول او زر، زور او تزوير په وسيله پرې چارواکي او بهرنيان لوبې وکړي.

که داخل ټاکنو لپاره لازم اصلاحات ونشو نو فکر نه کيږي چې ولسمشر هم خپله نوې دوره سرته ورسولاې شي چې په نتيجه کې به يې ولسواکي او د هغې لپاره ترسره کيدونکي پروسه (ټولټاکنې) يو ځل بيا د مودو مودو لپاره د ګډوډيو او نا آراميو په نتيجه کې له هيواد څخه کډه وکړي او په هيوادکې بيرته د ملوک الطوايفي او ګډوډيو تغر سر له نوي خپورشي چې بيا به يې مسووليت د ولسمشر، پارلمان او اوسنيو چارواکو په غاړه وي

هفته نامهٔ

مجاهد

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می‌کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

قرآن کریم

ارگان نشراتي جمعيت اسلامي افغانستان

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
● مطالب آمده مسترد نمی گردد.
● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم – سال نهم – شمارهٔچهل و دوم ۲٦ جدی- ۱۳۸۸ – ۳۰ محرم الحرام ۱٤۳۱ 16- January 2010

د امنیت ضد خبر او

د کورنیو چارو وزارت بی خبرتیا!!

د تیری پنجشنبی په ورځ د ولسی جرگی مشر، جرگه والوته یو پټ او امنیتی ضد خبر څپور کړچی په ځانگړی توگه د دوی امنیت ته ستر گواښ دئ. د ولسی جرگی د مشر په قول، موثق او دقیق خبر تر لاسه شوی چی شپیږ د مرمیو ضد موټری د دولت د وسلوالو مخالفینو لاس ته ورغلی او دوی غواړی چی ددې موټرو په واسطه د خلکو استازی و تبنتوی او بیا خپل بندیان خلاص کړی

ښاغلی قانونی داندی ویلی چی دا موټری:

- نوی دی یا زاړه؟
- دولتی دی یا دمؤسساتو یا افرادو؟
- تبنتول شوی دي یا په بیه اخیستل شوی؟
- په قانونی توگه وارد شوی یا په قاچاق؟
- نمبر پلیټ لری یا بی نمبر دي؟ او ... ؟

د ولسی جرگی مشر ویلی چی دا خبر د امنیتی ارگانونو له خوا تر لاسه شوی خود سر چنینی له نوم اخیستلو څخه یې ډډه وکړه.

ټول خبر دی چی امنیتی ارگانونه کوم دي!

د کورنیو چارو وزارت، د دفاع وزارت او دملي امنیت ریاست زمونږ امنیتی ارگانونه دي. خو د ولسی جرگی د مشر د خبر په غبر گون د کورنیو چارو د وزارت و یاند سم د سلاسه وویل چی داسی خبر یی نده ترلاسه کړی!

د دفاع و زارت او د ملی امنیت لوی ریاست لاتر اوسه په دی هکله څه ندی ویلي!

نو دا څرنگه امنیتی ضد خبر دی چی د کورنیو چارو وزارت تری بی خبر دی؟!

په تیره خو دا نیوکی کیدلای چی بهرنی پوځونه زمونږ له ارگانونو سره همغږی نلري او دا نیوکی تر ټولو زیات د امنیتی ضد خبرونو او ریوټونو په هکله وي چی بهرنیان خپل ریوټونه او بیا عملیات زمونږ له امنیتی ارگانونو سره نه شریکوی او له همغږی نه پرته یې تر سره کوی!

اوس دا ښکاره شوه چی زمونږ د امنیتی ارگانونو په منځ کی لاهمغږی هم نشته او خپل پټ اطلاعات یوبل سره نه شریکوی!



AFP

سازمان ملل سال ۲۰۰۹ را خونین ترین سال در افغانستان اعلام کرد

سازمان ملل متحد اعلام کرده که سال ۲۰۰۹، خونین ترین سال در افغانستان بوده تلفات غیر نظامیان در مقایسه با سال ۲۰۰۸، چهارده درصد افزایش داشته است.

براساس آمار سازمان ملل متحد، در سال ۲۰۰۹، دو هزار و چهارصد و دوازده غیرنظامی کشته شده اند، در حالی که این آمار در سال ۲۰۰۸، دو هزار و یکصد و هجده نفر بود.

در گزارش سازمان ملل عامل عمد تلفات غیرنظامیان حملات گروه طالبان قلمداد گردیده است.

گزارش سازمان ملل متحد همچنین خاطر نشان کرده که با گسترش فعالیت گروه طالبان در افغانستان، سال ۲۰۰۹، خونین ترین سال برای سربازان خارجی مستقر در این کشور بوده است.

گزارش سازمان ملل متحد با این حال گفته است که در سال ۲۰۰۹، تعداد غیرنظامیانی که از سوی نیروهای خارجی کشته شده اند، سی درصد کاهش یافته است.

فرماندهان نظامی آمریکا، در ماههای اخیر همواره در پی این بوده اند تا به دولت و مردم افغانستان اطمینان دهند که در برخورد با غیرنظامیان در جریان عملیات نظامی، از احتیاط لازم کار می گیرند.

سازمان ملل متحد در گزارش خود آورده است که کاهش در تلفات غیرنظامیان در عملیات نیروهای خارجی، نمایانگر اجرای تدابیر این نیروها برای کاهش خطر آسیب رسیدن به غیرنظامیان است.

براساس این گزارش، ولایاتی که در گذشته نسبتا آرام بوده اند، مانند ولایت کندوز و سایر مناطق در شمال شرق افغانستان، در جریان سال گذشته خشونتهای زیادی را شاهد بوده است.

آمار سازمان ملل متحد افزایش قابل ملاحظه ای را در تلفات سربازان خارجی در افغانستان در مقایسه با سال ۲۰۰۸ نشان می دهد.

در این گزارش آمده است که تعداد تلفات سربازان خارجی در افغانستان در سال ۲۰۰۸، دوصد و نود و پنج نفر بود، در حالی براساس آمار تازه، تعداد تلفات سربازان خارجی در سال ۲۰۰۹، به ۵۳۰ نفر افزایش پیدا کرد.

ناظران امور با این حال نگران هستند که با پایان زمستان و گرم شدن هوا، خشونتها و تلفات در افغانستان یک بار دیگر افزایش یابد؛ چون در زمستان، سردی هوا مانع از فعالیت گسترده گروه های مسلح می شود.

این نگرانی نیز وجود دارد که با اعزام سی هزار سرباز تازه نفس آمریکایی به افغانستان، خشونتها شدت بگیرد.

نامزد وزیری در راه است!

همنوا

روز شنبه ۱۹ جدی معاون دوم رئیس جمهور شمار دیگری از نامزد وزرا را به ولسی جرگه معرفی کرد و با نام بردن یک تن از آنان گفت که او در راه است و به زودی به کابل می رسد!

این در حالی است که چندی قبل هفده وزیر پیشنهادی از سوی ولسی جرگه رد شده است! نمایندگان مردم به هفتاد درصد وزرای پیشنهادی رئیس جمهور رأی اعتماد ندادند و این موضوع در کنار سوال مشروعیت رئیس جمهور ضربهٔ هولناکی بود که بر اعتبار رئیس جمهور وارد گردید. در انتخابات ریاست جمهوری هیچکدام از نامزدان نتوانستند که آرای لازم را بدست بیاورند و کمیسیون انتخابات، آقای کرزی را به حیث رئیس جمهور اعلام کرد. یعنی رئیس جمهور اعلام شده در نتیجهٔ آرای مردم به این مقام راه نیافته بلکه کمیسیون انتخابات ـ بدون داشتن چنین اختیار و صلاحیت ـ او را واجد شرایط احراز این مقام معرفی کرده است.

اکنون رئیس جمهور که بنابر عدم کارآیی کابینهٔ گذشته و انتقاد های پیهم و بی شمار داخلی و خارجی بر فساد گستردهٔ اداری و مدیریت نا سالم کمک های جهانی، می توانست یک کابینهٔ جدید را متشکل از افراد کارشناس و کاردان معرفی نماید و مورد قبول و پذیرش نمایندگان مردم باشد، با عجله و شتاب تعداد دیگری را معرفی داشته و چنین بر می آید که در این رابطه از دقت لازم کار گرفته نشده و تفاهم و هماهنگی وجود نداشته است!

معاون رئیس جمهور حین نام بردن و معرفی نامزد وزیران، در مورد یکی از آنان گفت که او در راه است و به زودی خواهد رسید! اما نامزد وزیر یاد شده توسط معاون رئیس جمهور، طی تماس با رسانه ها اعلام داشت که او مقیم کانادا است و از اقامت در آنجا راضی و قصد ندارد که به حیث وزیر در افغانستان خدمت کند!

بحث بر شخصیت و کاردانی یک شخص نیست و اصلاً معلوماتی در مورد نامزد وزیر یاد شده داده نشده و نداریم و هر که است و هر نظری دارد، قابل بحث نیست ولی حق و اختیار آن را دارد که بیاید یا نیاید، پست و مقامی را که به او داده شده، احراز کند یا نکند و ...

اما بحث این است که رئیس جمهور چرا افرادی را به حیث نامزد وزیر معرفی می دارد که آنها را نمی شناسد و در مورد نظر و تصمیم آنان اطلاعی ندارد؟!

آیا چنین است که فرد یاد شده، توسط مؤتلفین آقای کرزی معرفی شده و این مؤتلفین که توسط رسانه های غربی به نام های جنگسالار و دارای گروه های مسلح، یاد می شوند؛ می خواهند نشان دهند که تنها افراد مسلح و جنگجو نداشته اند بلکه افراد به اصطلاح روشنفکر، تحصیل یافته و کارشناس و حتی مقیم در اروپا، امریکا و کانادا نیز با آنان است و همچنین به دلیل باور به حکومت با کفایت و کارشناس، افراد متعهد و شناخته شدهٔ قبلی خود را معرفی نمی دارند بلکه افراد جدید و دارای خصوصیات مورد پسند خارجی ها را معرفی می نمایند و ...

واقعیت هرچه باشد، بهتر بود تا قبل از معرفی، موافقت آن افراد بدست می آمد و بعد پیشنهاد می شد تا رسوایی هایی از این نوع را، به دنبال نمی داشت.!